

تحلیل تأثیر مبانی روان‌شناسی در تصویرسازی کتاب‌های آموزشی کودکان (گروه سنی الف)*

سعیده طالع^{۱*}، جواد علی‌محمدی اردکانی^۲

۱. کارشناسی ارشد گرافیک، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران
 ۲. استادیار دانشکده هنر، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران
- تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۱۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۹/۲۰

چکیده

دنیای گسترده تصویر در همه دوران تاریخ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگر دنیای دیروز، دنیای ادبیات شفاهی بود، روزگار تصاویر و سواد بصری برای کودکان فقط شامل بخش کوچکی از دنیای تصویری کنونی می‌شد. هدف این مقاله، تحلیل تأثیر مبانی روان‌شناسی بر تصویرسازی کتاب‌های آموزشی کودکان گروه سنی الف و بررسی اهمیت به مبانی روان‌شناسی در نقاشی و تکنیک‌های مختلف آن در فرایند تصویرسازی کتاب‌های کودکان است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و روش تحقیق این پژوهش تحلیلی است. یافته‌های تحقیق بدین قرار است که روان‌شناسی به‌عنوان محتوای غالب تصویرگری، این گروه سنی را تحت تأثیر خود قرار داده است و تصاویر، بیش از کلمات توجه کودک را جلب می‌کنند. این تحقیقات همچنین نشان داده‌اند کودکان تصاویر را مانند کلمات می‌خوانند و برای خودشان مفهوم می‌آفرینند. تصویرگری واسطی میان نقاشی، ارتباط تصویری و ادبیات است. گونه‌های تکنیک (فن) به کار گرفته شده توسط یک تصویرگر، به مواد اولیه به کار گرفته شده در طراحی و رنگ‌آمیزی تصویرها باز می‌گردد؛ اما روش به‌کارگیری آنها از شناسه‌های مهم هر اثر به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی

تصویرسازی، کتاب کودک، مبانی روان‌شناسی، مبانی هنرهای تجسمی، نقاشی، نقاشی کودکان.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول تحت عنوان «بررسی تحلیل تأثیر مبانی روان‌شناسی در تصویرسازی کتاب‌های آموزشی کودکان (گروه سنی الف)» است که به راهنمایی نگارنده دوم به انجام رسیده است.
** نویسنده مسئول: تلفکس: ۰۱۳-۴۲۵۴۶۷۴۱، E-mail: saeide.tale@gmail.com

مقدمه

مقوله کودکان و پرداختن به بررسی ذهنیات و نحوه تکامل فکری ایشان، مبحثی است که از جنبه‌های متفاوت بررسی شده است و هریک به‌نوبه خود، بخشی از سیر تکاملی ذهن بشر را به نمایش می‌گذارد. گاه از جنبه رفتاری به آن نگاه شده است و گاهی این بشر کوچک را از زاویه نیازهای فکری‌اش که در پس تخیل ناخودآگاه او لانه کرده است، بررسی کرده‌اند. در این میان، این موجود خالص (کودک) در فطرتش انرژی‌های تجمع‌یافته در وجودش را، در دنیایی به ودیعه گذاشته است که نیاز زیبایی‌شناسی و فطرت زیباطلبی او را اغنا می‌کند. گرایش کودک از بدو شناخت محیط با نقش کردن و اثرگذاری آغاز و به زبان احساس و ارتباط مبدل می‌شود؛ زبانی که به جرئت می‌توان گفت بین تمامی کودکان در مقاطع مشخص، یکسان و قابل درک است.

به دلیل حس بصری که در وجود کودکان نهفته است، آنان در ارتباط با محیط پیرامون خود بیشتر به فرم و صورت اشیا توجه دارند. بهره‌گیری از تصویر، ضمن تحریک حس بینایی، موجب بروز انگیزه بیشتر برای یادگیری، عینی‌کردن پدیده‌ها و فرایندها و نیز سبب تسریع یادگیری می‌شود. تصاویر بیش از کلمات توجه را جلب می‌کنند. کودکان تصاویر را مانند کلمات می‌خوانند و برای خودشان مفهوم می‌آفرینند؛ به همین منظور، در کتاب‌ها سعی می‌شود تصاویر بیشترین شباهت را به واقعیت داشته باشند. تصویر نه‌تنها عامل جذابیت کتاب‌های داستانی و غیرداستانی است، بلکه خلاقیت تصویرگر، هویتی جدید به ادبیات می‌دهد تا به‌دنبال متن، تأثیری متفاوت در مخاطب ایجاد کند و اوجی به ادبیات یا نوع نگارش دهد.

در تصویرسازی، مهم‌ترین اتفاق، توجه به این امر است که اثر تصویرگری برای کدام گروه از مخاطبان تولید و منعکس می‌شود. به همین دلیل، رده‌های مختلف سنی محل اهمیت فراوان است که برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب در هر رده، شکلی متفاوت دارد. درک این امر که تصویرگر باید به مخاطب و متن خود وفادار بماند، در تصویرگری حائز اهمیت بسیار است. نمایش استعداد فردی و نگاه هنرمندانه به یک اثر نوشتاری و خلق تصاویر درست و مطلوب برای آنها، ملاحظات و ظرافت فراوانی می‌خواهد. درواقع، هدف تحلیل تأثیر مبنایی روان‌شناسی بر تصویرسازی کتاب‌های آموزشی کودکان گروه سنی الف و بررسی اهمیت به مبنایی روان‌شناسی در نقاشی و

تکنیک‌های مختلف آن در فرایند تصویرسازی کتاب‌های کودکان است و پرسش و مسئله اصلی این پژوهش از این قرار است که تا چه اندازه در تصویرسازی کتاب‌های آموزشی کودکان، به مبنایی روان‌شناسی توجه شده است؟

فرضیه این جستار این‌چنین است که کودکی از جانب روان‌شناسان و صاحب‌نظران تعلیم‌وتربیت غالباً برجسته‌ترین مرحله در تکوین شخصیت انسان شناخته شده است. تصویرگر باید شناخت جامعی از زبان، ذهن و رفتارهای کودک داشته باشد و تصویرگر کتاب علاوه بر طراحی و تصویرگری باید به روایت‌کردن نیز آشنا باشد؛ به‌طوری که وقتی کتاب یا داستانی به او می‌دهند، نکات مهم و تأثیرگذارش را بشناسد و انتخاب کند. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی است و روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی است. منوال مطالعه چنین خواهد بود که ابتدا مبنایی رشد ذهنی کودک و روان‌شناسی نقاشی کودک بررسی شده است و سپس به بررسی اهمیت تصویرسازی کودکان، تأثیر عناصر دیداری در تصویرگری کتاب‌های کودکان و همین‌طور خصوصیات روانی مقطع سنی الف و برخی نیازهای او پرداخته شده است.

با توجه به منابع موجود و در دسترس، تعدادی تحقیق پیرامون مبحث مبنایی نقاشی برای کودکان صورت گرفته است؛ ولی هیچ‌یک از این پژوهش‌ها مانند پژوهش حاضر به توضیح، تبیین و بررسی روان‌شناسانه بر نقاشی کودکان در تصویرسازی نپرداخته‌اند؛ ازجمله محمدرضا دادگر در مقاله «تصویرسازی داستان کودک» (۱۳۷۶)، نادر ابراهیمی در کتاب *مقدمه‌ای بر مصورسازی کتاب کودکان* (۱۳۷۶)، مریم مهردادفر در کتاب *کودک و تصویرگری و جمال‌الدین اکرمی در کتاب جستارهایی در تصویرگری کتاب‌های کودک و نوجوان* (۱۳۸۹) که به پیشینه تصویرگری کتاب‌های کودک و نوجوان در ایران پرداخته است. در پیشینه موضوع، مطالعات روان‌شناسی در حوزه تصویرگری، پژوهش‌های درخور توجهی در بخش تصویرگری و نقاشی کودکان شده است. با این حال، در حوزه روان‌شناسی رشد ذهنی کودک و تصویرسازی برای این گروه‌های سنی مختلف، شکاف علمی بزرگی وجود دارد. لذا در این پژوهش به بررسی روان‌شناسانه تصویرسازی گروه سنی الف پرداخته شده است.

مراحل رشد ذهنی کودک

باقی مانده باشد، فرصت بهتری دارد که وقتی بزرگ می‌شود، دارای قدرت تخیل و خلاقیت زیاد باشد.

نقاشی یکی از فعالیت‌هایی است که می‌تواند مانند بازی باعث رشد خلاقیت در کودک شود و در تشکیل شخصیت و روان کودک اهمیت فراوانی دارد. کودکان در سنین مختلف، دلایل متفاوتی برای نقاشی کشیدن دارند. گاهی اوقات صرفاً از پدیدآوردن علائم و شکل‌هایی بر صفحه کاغذ لذت می‌برند یا از آفرینش تصاویری قابل درک از موضوعاتی که به آن علاقه دارند، رضایت خاطر کسب می‌کنند. گاهی نیز این لذت بر اثر آفرینش دنیای نمادینی است که در آن کودک کنترلی که در زندگی واقعی فاقد آن است، اعمال کند. مورد آخر می‌تواند مبین این اندیشه باشد که نقاشی در خدمت هدفی بیانی قرار دارد بیان تجربه عاطفی، می‌تواند عمیقاً رضایت‌بخش باشد و باعث تخلیه روانی و در نتیجه، سلامت عاطفی شود.

نقاشی کودکان فقط وسیله‌ای برای پرورش خلاقیت و پختگی کودک یا شاخص تکامل نیست و آن را باید به‌عنوان وسیله تحقیق و مبادله با محیط اجتماعی و با دنیای بزرگسالان که در اطراف کودک هستند و همانند نشانه حالات عاطفی کودک در نظر گرفت.

طبقه‌بندی نقاشی کودکان از دیدگاه

روان‌شناسان

تحقیقات روان‌شناسان در زمینه نقاشی کودکان نشان می‌دهد در تمامی جوامع و تمامی دوره‌ها، نحوه ترسیم نقاشی‌های کودکان، دارای مراحل و اشکال یکسانی بوده و هست. بر این اساس، در روند تکاملی نقاشی‌ها از آغاز تا دوره نوجوانی، به دوره‌های مختلفی اشاره می‌کنند و براساس جنسیت و فرهنگ، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی را بیان می‌کند:

جی. کرشن اشتاینر^۱ با بررسی هزاران نقاشی کودکان آلمانی، براساس توالی سن تقریبی به سه دوره اشاره دارد (توماس و سیلک، ۱۳۹۲: ۳۰):

۱. نقاشی‌های شماتیک؛
 ۲. نقاشی‌های مبتنی بر ظاهر بصری؛
 ۳. نقاشی‌هایی که در آنها کودک سعی بر نمایش فضای سه‌بعدی و واقع‌گرایانه دارد.
- لون فلد^۲ نقاشی کودکان را به سه دوره تقسیم می‌کند (اسپادک، ۱۳۶۹: ۲۴۸):

برای هر نوع پژوهش پیرامون ویژگی‌های نقاشی کودک، باید رشد خلاقیت دوران مختلف سنی را مدنظر داشته باشیم. بدین منظور باید مراحل رشد ذهنی کودک را بررسی کرد. یکی از اولین روان‌شناسانی که رشد ذهنی کودک را مطرح کرد، ژان پیاژه، روان‌شناس برجسته سوئیس، بود. پیاژه دو سال اول زندگی کودک را «مرحله هوشی حسی حرکتی» نامید. در خلال این مرحله، کودک که فاقد زبان است، فقط قادر به انجام کنش‌های حرکتی است که به هر حال، آثاری از هوش را در خود دارد که هنوز دایر نیست. دو سال دوم زندگی، «مرحله تفکر پیش‌پنداری» را تشکیل می‌دهد که در خلال آن، کودک می‌تواند از چیز ویژه‌ای، چیز ویژه دیگری مدلل سازد؛ اما نمی‌تواند از چیزی ویژه، به یک کلیت یا برعکس برسد. «مرحله تفکر شهودی»، از سن چهارسالگی تا هفت‌سالگی به طول می‌انجامد. در این مرحله، تفکرات کودک، هنوز از ادراکات وی رهایی نیافته است. از سن هفت تا یازده‌سالگی، «مرحله اعمال واقعی» فرا می‌رسد که استدلال کودک منطقی است؛ اما کاملاً از داده‌های واقعی رها نشده است. او هنوز به‌طور کامل قادر به تعمیم مفهومی نیست. بین سنین یازده و پانزده‌سالگی که مرحله اعمال صوری است، او می‌تواند تعمیم دهد و به استدلال فرضی‌استقرایی دست یابد. اکنون می‌تواند هر داده‌ای را مفروض گرفته و بر اساس آن، استدلال کند.

پیاژه چهار عامل را در رشد مؤثر می‌داند:

۱. عواطف که انگیزه‌ای مهم برای یادگیری هستند.
۲. رشد جسمی که در خلال این رشد، درک کودک نیز بیشتر می‌شود.
۳. تجربه که همان‌طور که اشاره شد، کودکان تنها در جریان تجربیات گوناگون است که می‌توانند یاد بگیرند و کشف کنند.
۴. تفویض اجتماعی یا تعامل با اشخاص، خصوصاً پدر و مادر، معلمان و هم‌بازی‌ها (پیاژه و اینهلدر، ۱۳۷۳: ۲۵).

بنابراین، رشد ذهنی کودک، تحت‌تأثیر بازی و فعالیت‌های اوست. بازی در رشد ذهنی کودک مهم است. در این دوره، بسیاری از یادگیری‌های او انجام می‌شود و خلاقیت در او شکل می‌گیرد. تخیلات خصوصی کودک، زمانی که بازی‌های باقاعده و دنیای تجسمی خود را ترک می‌کند، به بازی‌های نمادین بزرگسال تبدیل می‌شود. کودکی که در حال رشد و بالغ‌شدن است، اگر این گرایش بازی‌گونه در او

لوکه^{۱۴} به چهار دوره در نقاشی کودکان اشاره می‌کند (معرک‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۴):

۱. واقع‌گرایی تصادفی؛^{۱۵}
۲. واقع‌گرایی نمادین؛^{۱۶}
۳. واقع‌گرایی فکری؛^{۱۷}
۴. واقع‌گرایی بصری.^{۱۸}

به هر روی، با تمام تلاش‌ها، بررسی‌ها و تقسیم‌بندی‌هایی که محققان و صاحب‌نظران روان‌شناسی کودک درباره نقاشی‌های کودکان انجام داده‌اند، به این اجماع می‌توان رسید که نقاشی به‌گونه‌ای فطری و ذاتی در نهاد تمامی کودکان نهفته است و دوره‌ها و مراحل را به‌گونه‌ای یکسان از آغاز تا دوره نوجوانی طی می‌کند (فراری، ۱۳۶۸: ۱۹). اما در همین یکسانی تصاویر می‌توان به اطلاعاتی در زمینه فرهنگ، محیط اجتماعی و حالات عاطفی روانی نیز دست یافت. به‌عبارتی، علاوه بر مراحل یکسان که به‌صورت کلی در نقاشی‌های کودکان نمایان است، می‌توان شاهد تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز بود. با جمع‌بندی مباحث زیباشناسانه نقاشی کودکان، تقسیم‌بندی براساس سن کودک می‌تواند مسیر فرایند تکامل تصویری نقاشی را واضح‌تر و هموارتر کند (معرک‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۴).

کلیاتی از روان‌شناسی نقاشی کودک

نقاشی کودک، جهانی از نمادها و رمزهاست و هر تصویر معنای نمادینی در خود دارد. کودکی که در نقاشی‌هایش از اشیا و شکل‌های بسیاری استفاده می‌کند، از رشد اجتماعی بیشتری نسبت به هم‌سالان خود بهره‌مند است. به نظر فراری، «از دید تصاویر، نشانگر پختگی کودک است که دخترها زودتر به این پختگی می‌رسند» (فراری، ۱۳۶۷: ۳۶). کودک خجالتی و کم‌رو، در گوشه‌های صفحه یا بر روی صفحه‌های کوچک نقاشی می‌کشد؛ زیرا در مقابل سطح بزرگ یا در مرکز صفحه، خود را گم احساس می‌کند (واتقی، ۱۳۷۷: ۹۰). به نظر واهنر، خطوطی که کودک دور تصاویر می‌کشد، اگر خیلی صاف، خشک و خشن باشد، بیانگر دشمنی، فشار و اغلب نشانه‌ای برای بیماری عصبی است. اما اگر خطوط آرام، مطمئن، روان و با انعطاف ترسیم شده باشد، بیانگر شخصیت پخته کودک است.

به نظر الشولر و هائویک، «اگر قسمتی از نقاشی بر اثر خط‌خطی یا به بهانه رنگ‌آمیزی پوشیده شود (عمل پوشش)،^{۱۹} نشان از مشکل عاطفی، دلهره و ترس کودک از

۱. دوره بدن‌نویسی و خط‌خطی‌های نامفهوم، از دو تا چهارسالگی؛
 ۲. دوره مقدماتی طراحی و ترسیم اشکال و تصاویر ابتدایی، از چهار تا هفت‌سالگی؛
 ۳. دوره طراحی‌های مشخص دارای موضوع، از هفت تا نه‌سالگی.
- هورویتز و دی^{۲۰} مراحل تحول نقاشی کودکان را این‌گونه می‌آورند (هاریتز، ۱۹۹۱: ۶۴):
۱. دوره دست‌ورزی،^{۲۱} از دو تا پنج‌سالگی؛
- این دوره را شامل سه مرحله یادگیری مفهومی می‌دانند:

- مفاهیم بصری که کودک قادر به درک ویژگی‌های خطوط و اشکال می‌شود و وسایل نقاشی را تجربه می‌کند.
 - مفاهیم ارتباطی که کودک درک می‌کند میان عناصر و اجزای تصویر ارتباط وجود دارد. بنابراین، تصاویر را با نظم خاصی ترسیم می‌کند.
 - مفاهیم ابزاری که کودک به ارتباط علت و معلولی ابزار نقاشی و بیان احساساتش پی می‌برد و به یک نوع زبان گرافیکی دست می‌یابد.
۲. دوره نمادسازی،^{۲۲} از شش تا نه‌سالگی؛
 ۳. دوره پیش از نوجوانی،^{۲۳} ده تا سیزده‌سالگی.
- پارسونز روند تکاملی نقاشی کودکان را به پنج دوره تقسیم می‌کند (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۸۰):

۱. دوره خوشایندگرایی؛^{۲۴}
 ۲. دوره درک زیبایی و واقع‌گرایی؛^{۲۵}
 ۳. دوره درک و دریافت اندیشه-احساس؛^{۲۶}
 ۴. دوره سبک و قالب؛^{۲۷}
 ۵. دوره استقلال.^{۲۸}
- گلین وی. توماس و آنجل ام. سیلک^{۲۹} از لحاظ سنی به دوره‌های نقاشی کودکان اشاره می‌کنند (معرک‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۳):
۱. از هجده‌ماهگی تا دوونیم‌سالگی؛ شامل خط‌خطی‌های بی‌هدف،^{۳۰} خط‌خطی‌های تصویری (دایره اولیه)؛
 ۲. از دوونیم تا پنج‌سالگی: نقاشی با بیان مقاصد، اولین تصویر انسانی؛
 ۳. پنج تا هشت‌سالگی: نقاشی‌های شفاف‌بینی، نقاشی‌های واقع‌گرا؛
 ۴. هشت تا نوجوانی: تصاویر کلیشه‌ای.

دیگران باز یا محصور در دنیای «من» خویشتن کودک باشد. درهای متعدد نشانگر میل گسترده کودک به ایجاد ارتباط با دیگران است. به نظر فراری، ۹۳ درصد کودکان در ورودی خانه را ترسیم می‌کنند؛ ولی فقط آنهایی که از هوش سرشاری برخوردارند، دستگیره هم برای آن در نظر می‌گیرند (فراری، ۱۳۶۷: ۵۴). پنجره به معنای «نگاه خانه» است. پنجره مزین به پرده رنگین نشان‌دهنده خوش‌بینی کودک است و پنجره سیاه و بسته نمایشگر اضطراب و امتناع از دیدن برخی افراد است و می‌تواند نشانه‌ای از افسردگی کودک باشد. دودکش بخاری بر فراز پشت‌بام خانه، در نقاشی پسران به مرحله ادیبی^{۲۲} ارتباط دارد. ترسیم بخاری با دود به معنای روح و گرمای زندگی است. دود خارج شده از دودکش اگر به سمت چپ تمایل داشته باشد، واپس‌روی و تمایل به سمت راست، گرایش به سوی آینده را نشان می‌دهد. دودهای درهم و مغشوش نمایشگر تنش‌های روانی کودک است (شاملو، ۱۳۷۰: ۳۵). جاده و راه در نقاشی، اگر مزین به گل و گیاه باشد، نشان‌دهنده شادی و نشاط کودک است. جاده سیاه، نشانه اضطراب است و تلاش کودک را برای عبور از مشکلات کنونی‌اش نشان می‌دهد. راه بن‌بست به دو معنای مشکلات لاینحل زندگی یا نمادی از «من» کودک است که دچار مشکل ارتباطی شده است. ترسیم جاده‌های متعدد نمایشگر ناپایداری، ناآرامی و آشفتگی کودک در سطح فکر و عمل است (دادستان، ۱۳۷۶: ۱۷۹).

تصویرگری در کتاب‌های کودکان

در فاصله زمانی ۱۳۰۰-۱۳۴۰، تصویرگری کتاب کودک به مرحله نوبی گام گذاشت و عواملی سبب شد که کتاب کودک چه از جنبه چاپ و شکل ظاهری و چه از جنبه تصویر، مرحله مهمی پشت سر گذارد. تا قبل از آن، چندان اهمیتی به تصاویر و کتاب‌های کودکان داده نمی‌شد و حتی عده‌ای به غلط بر این باور بودند که تصاویر باعث حواس‌پرتی می‌شود و تمرکز خواننده را می‌گیرد؛ در حالی که با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، استفاده از تصاویر و به‌طور کلی، مواد سمعی و بصری تأثیر مثبتی در یادگیری دارد.

از اولین کسانی که در کتاب‌های خود از تصاویر استفاده کرد، جبار باغچه‌بان بود. وی در فاصله سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۰۷، چهار کتاب به شیوه چاپ سنگی منتشر کرد که در همه آنها تصویرها خطی و ساده بودند؛ مانند «نمایش‌نامه خانم خزوک» که در سال ۱۳۰۷ منتشر شد.

آن شیء یا شخصی است که پوشانده است» (فراری، ۱۳۶۷: ۸۸) و «اگر بر روی عضوی از بدن عمل پوشش را انجام دهد، نشان‌دهنده ناراحتی در آن قسمت از عضو بدن کودک است» (کرم، ۱۳۷۳: ۵۳). کودکی که در نقاشی‌هایش فردی از اعضای خانواده را کمتر ترسیم کند، نشان از غیبت طولانی آن فرد است. برای نمونه، می‌تواند پدری باشد که برای مدت‌ها در مأموریت شغلی و خارج از منزل است. اما اگر کودک، در نقاشی‌اش فردی از اعضای خانواده را که حضور دارد، ترسیم نکرده باشد، می‌تواند نشانه آن باشد که کودک در ضمیر ناخودآگاهش عدم وجود او را آرزو می‌کند یا از او می‌ترسد و اگر در نقاشی، کودک خودش را حذف کند و ترسیم نکند، نشانگر آن است که کودک از شرایط حاضر و وجود خودش احساس رضایت نمی‌کند و خود را طردشده احساس می‌کند (معرکزاد، ۱۳۹۲: ۵۹).

از نظر میشو^{۲۰} و هریزن^{۲۱} «انتخاب موضوع از طرف کودک، بیانگر بخشی از شخصیت اوست. برای مثال، کودک ناپایدار و دمدمی، بیشتر جاده‌های دراز و پرپیچ‌وخم را ترسیم می‌کند و کودک پویا و خیال‌پرداز، به ترسیم امواج دریا و پرندگان می‌پردازد» (وائقی، ۱۳۷۷: ۹۴). ترسیم کوه به حالت خشک و نوک‌تیز، معرف مشکلات کودک با قوانین و قواعد اجتماعی است؛ ولی شکل منحنی کوه‌ها و تپه‌های سرسبز به‌منزله عشق و علاقه زیاد به مادر است. آب و ابر در نقاشی کودک، نشان‌دهنده مدرسالاری در خانواده است. ترسیم دریاچه و اقیانوس به معنای تمایل کودک به جلب حمایت بیشتر مادر است. ابرهای درهم و فشرده، معرف مادری مداخله‌گر است. ترسیم ابر و باران زمینه غمگینی و افسردگی را نشان می‌دهد. در صورتی که باران کل صفحه را بپوشاند، نشانگر اضطراب کودک است.

خورشید نقاشی، نماینده پدر و پذیرش اقتدار اوست. خورشید درخشانده نشان‌دهنده پدر خوب، خورشید پنهان در پشت کوه نشانگر ارتباط نامطلوب با پدر و خورشید قرمز یا سیاه نشانه ترس از پدر است. البته خورشید نقاشی شده در سمت چپ صفحه می‌تواند نشان‌دهنده اقتدار مادر در خانه باشد. ماه در نقاشی نماد زنانه است (و معمولاً موقعی که دخترهای خردسال مسائلی درباره هویت زنانه خود درک می‌کنند، در نقاشی ظاهر می‌شود) (دادستان، ۱۳۷۶: ۱۹۶). ستارگان، نشانه جلب توجه، تحسین و محبت دیگران است (همان: ۱۹۴).

خانه، نمادی از خانواده است. در، نشان‌دهنده شیوه ارتباطی کودک با افراد پیرامونش است که می‌تواند به روی

وقتی خطوط، فضایی را محاصره می‌کنند یا به عبارتی، وقتی خطوط به هم متصل می‌شوند، اشکال مختلف را به وجود می‌آورند. شکل نیز قادر به بیان معناست. دایره به این دلیل که نقطه پایانی ندارد و نقطه آغاز و انتهای آن به هم می‌رسد، نماد تداوم و ابدیت است. مثلث وقتی بر پایه افقی خود قرار گیرد، حس امنیت را به وجود می‌آورد؛ اما اگر همین مثل روی نوک خود قرار گیرد، نبود تعادل را نشان می‌دهد (اکرمی، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۶).

مشخصات تصویرگر خوب

۱. آشنایی با اهداف تصویرگری؛
۲. آشنایی با مشخصات تصویر؛
۳. آشنایی با روان‌شناسی کودک و توجه به نیازهای روانی او؛
۴. عاطفه بسیار عمیق و ضربه‌پذیر در برابر بچه‌ها؛
۵. عاطفه پدری، مادری، خواهر یا برادری نسبت به یک یا چند کودک؛
۶. احساس مسئولیت واقعی و غیرمتظاهرانه در برابر بچه‌ها؛
۷. آشنایی با مراحل رشد کودک؛
۸. آشنایی مختصر و مقدماتی با علم هوش‌شناسی؛^{۲۴}
۹. علاقه خاص به ادبیات کودکان؛
۱۰. اطلاعات درخور ملاحظه در باب ادبیات کودکان و تصویرسازی برای کودکان؛
۱۱. اطلاعاتی مقدماتی در زمینه روان‌شناسی عمومی؛
۱۲. وجدان بیدار آگاه؛
۱۳. خوش‌بینی واقع‌گرایانه به آینده انسان؛
۱۴. احساس مشترک با کودکان یا ادراک آرزوها، خواسته‌ها و رؤیاهای رنگین و بلورین ایشان؛
۱۵. آگاهی نسبی در باب آنچه دیگران، به‌ویژه خوب‌ترین‌ها، در زمینه تصویرسازی کرده‌اند؛
۱۶. عشق و شور واقعی به خلق اثر برای کودکان؛
۱۷. آشنایی با فرهنگ بومی و ملی و عوامل و عناصر نمایشی، اخلاقی، تصویری، ادبی و به‌طور کلی، هنری این فرهنگ؛
۱۸. آشنایی وسیع با هنر نقاشی؛
۱۹. آشنایی وسیع با هنر و فن گرافیک؛
۲۰. آشنایی بسیار مختصر و ابتدایی با بیماری‌های کودکان و علل ابتلای کودکان به این بیماری‌ها؛^{۲۵}

گسترش مدرسه‌ها و کودکان‌ها و افزایش شمار خوانندگان کتاب‌های کودکان سبب شد حتی ناشران نیز به کتاب‌های کودکان بیشتر توجه کنند و البته تلاش شماری از مربیان، نویسندگان و مترجمان به فعال‌تر شدن حوزه نشر کتاب کودک یاری رساند. پایه‌گذاری دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران نیز سبب شد تصویرگری کتاب کودک جایگاه مهم‌تری بیابد (حکیم‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶-۱۵).

عناصر دیداری^{۲۳} در کتاب‌های مصور و

تصویر

همان‌طور که نویسنده با در کنار هم گذاشتن کلمات، داستانی می‌نویسد، تصویرگر نیز با در کنار هم گذاشتن عناصر بصری، تصاویری می‌آفریند که به‌تنهایی داستان می‌شود. عناصر اساسی بصری که تصویرگر در خلق اثری به کار می‌گیرد، عبارت است از: خط، رنگ، شکل و بافت. این عناصر که هریک به‌تنهایی می‌تواند معنا و حس خاصی منتقل سازد، هنگامی که به اشکال مختلف قرار می‌گیرد، معانی متفاوتی به وجود می‌آورد. اصول سازمان‌دهی عناصر بصری یا روش‌های در کنار هم قراردادن این عناصر، اصول ترکیب‌بندی یا کمپوزیسیون نام دارد. باربارا کیفر در کتاب خود، *پتانسیل کتاب‌های تصویری*، حرکت چشم، توازن، ریتم و الگو را از اصول ترکیب‌بندی به شمار می‌آورد (اکرمی، ۱۳۸۹: ۴۶).

هنرمند با استفاده از خط، جهت و حرکت، حالت و انرژی را نشان می‌دهد. خط در واقع یکی از عوامل بصری مهم به‌ویژه در کتاب‌های تصویری کودکان است. خط، دقیق و مشخص است و چشم بیننده را در جهت‌های مدنظر هنرمند هدایت می‌کند. خطوط محیطی، اجازه می‌دهند تا کودکان همان‌طور که برای شناخت اشیا آنها را لمس می‌کنند، خطوط اطراف اجسام را حس کنند. کودکان به دلیل تجربه خود با محیط‌های طبیعی، رابطه پرمعنایی با عناصر بصری برقرار می‌سازند. خط، دارای قدرت بیانی است. خطوط عمودی مانند درخت یا فردی ایستاده و بدون حرکت، معنای استحکام و استواری را می‌رسانند. خطوط افقی مثل سطح آرام دریاچه، آرامش و خواب را نشان می‌دهند. خطوط مایل، معنای حرکت و خطوط دندانه‌دار و مژرس، معنای هیجان یا تپش را می‌رسانند. خطوط منحنی، اغلب آرامش و ریتم را بیان می‌کنند. کیفیت خط نیز بامعناست. خطوط نازک، ظرافت و شکنندگی و خطوط کلفت، قدرت و وزن را القا می‌کنند.

علم عصب‌شناسی ثابت کرده است چشم انسان ابتدا رنگ زرد و بعد رنگ قرمز و در آخر رنگ آبی را به راحتی می‌بیند.

اهمیت تصویرسازی برای کودکان

تصویر، پیام بی‌کلام است و می‌تواند حرفی باشد جهانی برای هرکس که آن را ببیند و البته، برای کودکی که نمی‌تواند فاصله زمانی یا مکانی را طی کرده و هر چیز را مشاهده و تجربه کند.

تصویر در کتاب‌های داستان، دروازه‌ای برای ورود کودک به قلمرو خیال‌انگیز داستان‌ها و شعرهایی است که ابتدا به کمک خط‌ها و رنگ‌ها در تصویر و سپس از طریق واژه‌ها در متن توسط کودک جست‌وجو می‌شود. همچنان که واژه‌های متن، کودک را با توانایی‌های بی‌پایان زبان درزمینه ادبیات و فراگیری دانش روزافزون همراهی می‌کند، تصویر به کودک می‌آموزد چگونه ارتباط میان خط‌ها به ایجاد شکل و ارتباط میان رنگ‌ها به ایجاد حجم و واقعی جلوه‌دادن پدیده‌ها در فرایند نقاشی می‌انجامد و شناخت دنیای پیرامونش به چه ویژگی‌هایی همراه است.

گونگونی شکل در فرایند تولید کتاب‌های تصویری برای خردسالان و کودکان از چنان جلوه‌ها و تنوعی برخوردار است که هیچ کودکی توان چشم‌پوشی از کتاب را ندارد. تنوع قطع و کاربرد گوناگون کتاب‌های امروز، به کودک این امکان را می‌دهد تا در هریک از آن‌ها سلیقه تازه‌ای را برگزیند و به آن دل ببندد. این دل‌بستگی نخست بر اثر تلاش‌های تصویرگر و گرافیک‌ساز در تولید جلوه‌های دیداری کتاب شکل می‌گیرد و کمی پس از آن، با شنیدن داستان و روایت متن کامل می‌شود. به این ترتیب، تصویر نخستین حادثه در انتخاب کتاب توسط کودک و پرورش سلیقه‌های او در فهم جلوه‌های دیداری هنر نقاشی است. از آنجا که این دل‌سپردگی، سلیقه‌های بعدی کودک را در چگونگی گرایش او به زیبایی‌شناسی‌های هنر نقاشی و ادبیات به‌دنبال دارد، برخورداری کتاب از تصویرهای هنرمندانه، خلاق و جست‌وجوگر، می‌تواند فرهنگ و بینش آینده کودک را رقم زند؛ همچنان که تصویرهای سهل‌انگارانه در روند تولید کتاب‌های بازاری، او را به درک سطحی و گذرا از کتاب و پدیده‌های اطرافش می‌کشاند (اکرمی، ۱۳۸۹: ۳۱۰).

آمیختگی کتاب‌های مصور با داستان همچنان دو نیاز اساسی آموزش و تربیت کودکان و دو میل درونی کودکان را پاسخ گوید: میل به شنیدن قصه که کودک از

۲۱. توجه به مسائل رنگ‌شناسی و تأثیرات مختلف رنگ‌ها بر اعصاب و روان کودک. همچنین توجه به تأثیر خطوط (شکسته و منحنی) بر اعصاب؛

۲۲. آشنایی با اصول آرایش، تذهیب و پیرایش؛

۲۳. قدرت ادراک موضوع، محتوا، فضا، هدف و نتیجه نوشته و توانایی وصول به شکل‌های متناسب محتوا؛

۲۴. اعتقاد و علاقه به مفهوم و محتوای نوشته‌ای که آن را مصور می‌کند؛

۲۵. حس همگامی و همراهی با نویسنده؛

۲۶. قدرت تخیل قوی، پرنده و مثبت؛

۲۷. مهارت در کار؛

۲۸. قدرت ایجاد و به‌کارگیری زبان تصویری مناسب با نوشته؛

۲۹. صبوری فراوان و تمایل به جست‌وجو در راه‌یافتن چیزی فردیت‌یافته و بدیع؛

۳۰. اعتقاد به اینکه زندگی، مجموعه‌ای از مسائل مبتذل مالی و مادی یا فقط مادی نیست و انسان، تنها به خاطر کسب درآمد یا درآمد بیشتر کار نمی‌کند؛

۳۱. تمایل به مبارزه (به هر صورت) به خاطر حفظ حرمت آزادی و همه اصول و مسائل اخلاقی مورد نیاز انسان با ایمان؛

۳۲. آگاهی بر امکانات چاپ (ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۱۰۷-۱۰۵).

توجه به نیازهای گروه سنی فراگیران و

فرایند رشد کودک و علایق او

نیازها و علایق کودکان در گروه‌های سنی متفاوت با هم فرق دارند. شناخت ویژگی‌های روان‌شناختی کودک و علاقه‌مندی‌های او از نخستین اصول تصویرگری به شمار می‌رود. تصاویر زیبا و پرکار، اما به‌دور از ویژگی‌های سنی کودک، ارزش آموزشی کمتری دارند. کودکان در مقایسه با بزرگسالان احساسی‌ترند و از طریق تصویر راحت‌تر از مطالعه، درک مطلب و پیام‌پذیری دارند. حس بینایی کودکان گروه سنی الف، هنوز از مهارت لازم و کافی برای تشخیص تمام امواج نوری، مثل طول موج‌های مربوط به رنگ‌های آبی برخوردار نیست.

در تصویرسازی برای این گروه از کودکان باید تا آنجا که امکان دارد، از رنگ‌های آبی کمتر استفاده شود؛ زیرا

۸. عینی و محسوس کردن موضوع، باز هم بیش از حدی که موضوع، فی‌نفسه، عینی و محسوس هست؛
۹. آسان کردن موضوع، در مواردی که موضوع، ناگزیر، دشواری‌هایی دارد؛
۱۰. کمک به ثبت و ضبط نوشته یا موضوع در ذهن کودک؛
۱۱. قابل حس و لمس کردن فضای قصه یا داستان؛
۱۲. یک‌سره در خدمت اهداف و خواست‌های نوشته و محدود به همان خواست‌ها بودن؛
۱۳. به برخی از نیازهای بصری کودکان پاسخ‌دادن؛
۱۴. کودک را به خواندن یا شنیدن مکرر قصه یا اثر تشویق کردن؛
۱۵. بر دانش، شناخت، آگاهی و اطلاعات عمومی کودک افزودن؛
۱۶. کمک به جای‌گیری نوشته و موضوع در ذهن و خاطره کودک، در حد سنی مطلوب و معین؛
۱۷. برانگیزی کنجکاوی کودک در جهت درک رابطه‌های میان اجزای هر تصویر و رابطه‌های میان نوشته و تصویر؛
۱۸. فراسوی نوشته و موضوع قراردادن قوه تخیل کودک؛
۱۹. تقویت روحیه شاعرانه کودک؛
۲۰. تقویت حس واقع‌بینی و واقع‌گرایی کودک؛
۲۱. گشودن افق‌های روشن و امیدبخش، پیش روی بچه‌ها. این کار از تصویر، به همان خوبی نوشته بر می‌آید و گاه خوب‌تر؛
۲۲. تقویت تمایلات هنری کودک؛
۲۳. تسطیح ابتدای راه یادگیری کودکان کم‌سال در زمینه‌های مختلف؛
۲۴. واداشتن بدون فشار و تهدید کودکان به استفاده صحیح و سودمند از اوقات فراغت؛
۲۵. نارسایی‌های وصفی‌واژگانی نوشته را از بین بردن؛
۲۶. کمک به درک مفهوم و معنای رنگ‌ها، خواص، تأثیرات و کاربردهای صحیح آنها؛
۲۷. کودک را در جهت درک معنا و کاربرد ترکیب‌بندی‌های نو و درست، فرایندی درست و نافذ (=پرسپکتیو)، نوربندی، قاب‌بندی (=کادربندی)، زاویه‌بندی و رنگ‌بندی‌های درست و زیبا و مؤثر هدایت کردن؛

ابتدایی‌ترین ساعات زندگی خود آن را در کنار مادر تجربه می‌کند و میل به دیدن تصویر، میل به دیدن و شناخت جهان اطراف که موجب حرکت و تلاش آینده کودک می‌شود. داستان‌های مصور می‌توانند نشان‌دهنده زمینه‌های اجتماعی، مذهبی و ذوقی جامعه باشند؛ چون نویسندگان و هنرمندان و درواقع، برگزیدگان فرهیختگان هر اجتماع، در به‌وجودآوردن آن سهیم هستند. این است که مطالعه داستان‌های مصور، چه از جنبه ادبی و چه تصویری، دارای اهمیت و ارزش فراوانی برای شناسایی جامعه و شناخت آینده هستند.

اهداف تصویرسازی برای کودکان

تصویرسازی در عصر حاضر، به تدریج هدف‌هایی به خود اختصاص داده و آنها را محور قرار داده است که کل این هدف‌ها را در مرحله اول می‌توان به:

۱. اهداف آموزشی (تعلیمی)
 ۲. اهداف پرورشی (تربیتی)
 ۳. اهداف تفریحی
 ۴. اهداف موضوعی
 ۵. اهداف اقتصادی و مالی
- بخش‌بندی کرد و سپس در بافت ریزتر و بخش‌بندی جزئی‌تر، دقیق‌تر و تفکیکی‌تر، به اهداف زیر دست یافت:
۱. جذاب و دل‌نشین ساختن اثر برای جلب هرچه بیشتر مشتری و به فروش رفتن هرچه بیشتر کتاب؛
 ۲. جذاب و دل‌نشین ساختن اثر برای حیثیت‌بخشی به کل واحد انتشاراتی و در نتیجه، به کل تولیدات آن واحد انتشاراتی توجه و آن را در معرض تقاضا قراردادن؛
 ۳. جذاب و دل‌نشین ساختن اثر به خاطر ایجاد ارزش‌های فرااقتصادی و معنوی؛ مثل ارضای حس غرور و بزرگی طلبی معنوی ناشر یا مدیر انتشارات: شهرت و محبوبیت؛
 ۴. کمک به درک هرچه بیشتر مفاهیم نوشته؛
 ۵. غنی و مؤثر کردن نوشته، بیش از حدی که بدون تصویر می‌تواند غنی و مؤثر باشد؛
 ۶. در ذهن مخاطب نفوذ کردن و خواهان تداوم این نفوذ شدن؛
 ۷. پاسخ صحیح و مناسب به نیازهای بصری نوشته دادن؛

۳. زاویه دید صریح و طبیعی و معمولی داشته باشد، آن گونه که کودک، خیلی سریع، «وضعیت موضوع» را درک کند.
۴. کل تصویر و اجزای تصویر باید «متعادل» باشد.
۵. تصویر باید «اندازه‌های معقول و منطقی» را پیشنهاد کند. اینکه کودک، خود، در ابتدای کار نقاشی، کله‌های بسیار بزرگ می‌کشد و این کله‌ها را روی پاهای چوب کبریتی قرار می‌دهد، هیچ رابطه‌ای با مسئله مصورسازی ندارد. نقاشی کودکان و آثاری که کودکان به وجود می‌آورند، یک مسئله است و مصورسازی و ادبیات ویژه کودکان مسئله دیگر که غالباً یافتن نقاط مشترک هم بین این دو، کاری است دشوار. این درست است که «تصویر» باید کودک را به «نقاشی» تشویق کند؛ اما این به آن معنا نیست که «مشوق» با «موضوع مورد تشویق» یکی باشد!
۶. در تصویر نباید غلو تصویری یا موضوعی مشاهده شود.
۷. تصویر نباید چیزی ارائه بدهد که توجیه‌ناپذیر باشد؛ یعنی بزرگ‌ترها نتوانند از پس تعریف و تشریح و توضیح آن برآیند.
۸. تصویرها، در رابطه با هم، نباید حامل تناقضات و تضادهای عاطفی باشد. به همین ترتیب، از تضادهای شدید رنگی باید پرهیز کرد.
۹. تصویر باید فرآیندی (=پرسپکتیو) ساده و قابل درک داشته باشد.
۱۰. تصویر نباید «نوربندی»های گیج‌کننده، تیز و توهم‌انگیز داشته باشد؛ یعنی یک موضوع قرار گرفته در تاریکی یا سایه سیاه، نباید مورد حمله شعاع‌های نور از جهات مختلف و بدون مشخص و ملموس بودن منبع نوری واقع شود.
۱۱. تصویر، در هر حال نباید کودک را نگران، بیمناک، افسرده یا حتی او را وادار به «در خود فرورفتن» و «بُریدن» کند.
۱۲. تصویر نباید کودک را منتظر و در هیجان نگاه دارد.
۱۳. درباره تصویرهای «نافذ» و «ماندگار»، باید بسیار احتیاط کرد آنچه نفوذ می‌کند و می‌ماند، بار منفی نداشته باشد و سودمند، زندگی‌ساز، امیدبخش و توجیه‌کننده حس آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی

۲۸. در آرامش بخشیدن به روان کودک همچون موسیقی ملایم مؤثر بودن؛
۲۹. برانگیختن کودک، به همین گونه، به گاه ضرورت؛
۳۰. خشونت‌های بی‌جای کودک را از میان بردن و روح او را لطافت و حساسیت‌های پایدار انسانی بخشیدن؛
۳۱. کودک را در مسیر شیوه‌های جدید و قابل درک تصویرسازی، گرافیک و نقاشی قرار دادن و او را به نقاشی کردن واداشتن؛
۳۲. زبان تصویری را برای گروهی از کودکان به‌جای زبان گفتاری - نوشتاری نشان دادن؛
۳۳. بین خواننده خردسال و شخصیت‌های کتاب، رابطه‌های عاطفی - عقلی مؤثر ایجاد کردن؛
۳۴. بر عمق و رشد و وسعت افکار، تخیلات، تصورات، رؤیاهای و آرزوهای مثبت کودک افزودن (ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۵۳).

تصویرسازی و مخاطب آن

موفقیت تصویرسازی، براساس سرعت جذب مخاطبان و میزان تأثیر بر آنان در انتقال پیام است. جنسیت، سن، طبقه اجتماعی و اقتصادی، جغرافیا و فضای روانی بیننده، همگی عواملی است که بر بهره‌گیری و برداشت او از متن تأثیر می‌گذارد. توجه به سلیقه و توانایی درک کودک، اصلی است که در متن و تصویر باید رعایت شود. گنجینه‌ها و واژگان و بهره‌گیری از عناصر ادبی در هر گروه سنی متفاوت است که آشنایی نویسنده و تصویرگر با آن سبب ارتقای سطح اثر می‌شود. یافتن موضوعی مناسب در حین دادن اطلاعاتی صحیح و دقیق، به طوری که برای کودک قابل فهم باشد، کار آسانی نیست.

بدین ترتیب، بهتر است با خصوصیات روانی مقطع سنی و برخی نیازهای او به شرح زیر تا حدودی آشنا شویم تا بتوانیم با تصویر با مخاطب خود بهتر ارتباط برقرار کنیم و آنان به کمک تصویر محتوای کتاب را بهتر درک کنند.

کودکان گروه سنی یک تا سه ساله^{۲۶}

۱. تصویر باید آسان باشد، بسیار آسان و تا حد ممکن بزرگ؛
۲. ریزه‌کاری و بافت مینیاتوری نداشته باشد.

رنگ‌های ضخیم و تخت (= ۱۰۰ درصد) با تضاد شدید.

۸. باز هم، در صورت امکان و لزوم، از نواهای مختلف یک‌رنگ استفاده شود.

۹. هنوز هم در همهٔ صفحه‌ها باید تصویر وجود داشته باشد؛ البته می‌توان از تصویرهای «نصف‌صفحه» و خُرده‌تصویر هم استفاده کرد. با وجود این، تصویرهای وسیع دوصفحه‌ای، بیش از تصویرهای یک یا نیم‌صفحه‌ای کودک را مشغول می‌کند.

۱۰. مشخصات تربیتی، آموزشی و روان‌شناختی محدودهٔ سنی قبلی، در این محدوده نیز باید کانون توجه کامل باشد.

۱۱. تصویر باید به‌ملایمت، کودک را به‌سوی شکل کلمات هدایت کند؛ اما به‌هیچ وجه و به هیچ دلیل نباید کودکان را زیر فشار یادگیری خواندن و نوشتن قرار بدهد؛ به‌هیچ وجه و به هیچ دلیل.

۱۲. تصویر باید به‌ملایمت، کودک را به‌سوی ادراک عدد و تعدد و تعداد هدایت کند؛ اما همچون اصل ۱۱.

۱۳. تصویر می‌تواند به‌تدریج فضایی برابر با نوشته را به خدمت بگیرد.

۱۴. تصویر می‌تواند از فرایندی نسبتاً عمیق اما ساده استفاده کند.

۱۵. اصل نوربندی و منبع نور، همچنان محفوظ است؛ اما از شدت آن کاسته می‌شود.

۱۶. تصویر می‌تواند تدریجاً برای تصرف قسمت‌های عمدهٔ قاب حرکت کند و بخش‌های عمده‌ای از سطح را بپوشاند؛ اما باز هم نباید قاب را تماماً پُر کند.

۱۷. غلو آگاهانه و قابل توجیه در تصویر، تا حدودی مقبول است، فقط تا حدودی؛ اما این غلو، بدیهی است که نباید آزارنده و نگران‌کننده باشد.

۱۸. از جزئی‌پردازی و کار مینیاتوری، باز هم باید پرهیز کرد؛ اما به‌عنوان مقدمه، گهگاه و در صورت لزوم، می‌توان بخش کوچکی از هر تصویر را به‌طور ریزبافت کار کرد (ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۷۹).

انسان باشد؛ نه در جهت تمایل به کسب زورمندی فردی، قُلدری، تسلط بر دیگران، جمع‌آوری مال، تک‌روی و

۱۴. تصویر نباید تمام قاب تصویر را پُر کند و جایی برای «تنفس چشم» باقی نگذارد. به‌طور کلی، همان اصولی که دربارهٔ «سفیدخوانی» و رابطهٔ آن با محدوده‌های مطالعاتی و سنی وجود دارد، در زمینهٔ «سفیدبینی» و آسایش چشم در رابطه با تصویر و «فضای خالی آرام‌بخش» نیز می‌تواند مورد توجه تصویرگر باشد.

۱۵. تصویر، نسبت‌به نوشته، حجم یا فضای بیشتری را باید اشغال کند.

۱۶. در همهٔ صفحه‌ها باید تصویر وجود داشته باشد (ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۷۴).

کودکان چهار تا شش ساله ۲۷

۱. تصویر، در عین واقع‌گرایی، می‌تواند و چه‌بسا باید خیال‌انگیز و پروازدهنده باشد: رؤیاهای شیرین بآورد، نه توهم؛

۲. در تصویر یا تصاویر، از تضاد و تناقض، به مقدار محدود و مختصر، با قید احتیاط و آگاهی و تسلط بر مسائل تربیتی می‌توان استفاده کرد.

۳. تصویر، باز هم، باید ساده و آسان باشد؛ اما طبیعتاً کمتر از محدودهٔ قبلی. ضمناً سادگی و آسانی، کمترین رابطه‌ای با ابتذال و انجماد تصویری ندارد.

۴. تصویر باید تازگی، جلا و زندگی داشته باشد و عامل یا عنصری نو را در خود حمل کند.

۵. فردیت و تشخص کافی داشته باشد.

۶. اگر در ساخت تصویر، به دلایل کافی، از تک‌رنگ یا تصویر دورنگ استفاده می‌شود، رنگ‌ها خفه و کسل‌کننده و تیره و بی‌حال نباشد.

۷. در تصویر، به‌طور کلی و در غالب موارد، باید از رنگ‌های ملایم، شُل، لغزنده، شاد، سبک و نَرم استفاده شود؛ نه از رنگ‌هایی با چگالی زیاد یا

نتیجه

گروه سنی مخاطب به مدد خطوط، رنگ، بافت و ... دست به بیانگری می‌زند. در اینجا تصویرگر، نقش کلیدی برای بیان مفاهیم ارائه‌شده در قالب متن را بازی می‌کند. تصاویر کتاب‌های کودکان نیز به‌تبع، باید با توجه به میزان درک و فهم، ویژگی‌های رشدی و نیازهای گوناگون کودکان در

کاری که تصویرگر انجام می‌دهد، درواقع کشف روش‌های مؤثر و مناسب برای ارائهٔ موضوع و تفهیم بهتر آن به مخاطب است. می‌توان گفت تصویرگری، ترجمهٔ تصویری متن است. تصویرگری زبان بصری است که با توجه به نگرش تصویرگر، آموزه‌ها، فرهنگ، جغرافیا، سبک ادبی و

(رنگ‌شناسی). انتخاب رنگ‌ها، ترکیب عناصر نقاشی و بزرگ‌نمایی برخی عناصر از مواردی است که جنبه‌های پنهان شخصیت کودک را از طریق نقاشی‌های او برای روان‌شناسان نمایش می‌دهد.

با توجه به مطالبی که ذکر شد، می‌توان گفت در ارائه‌دادن تصویر خوب برای کودکانمان باید تصویرگران در به‌وجودآوردن تصاویر، تمام تلاش و دقت خود را داشته باشند تا بتوانند در افکار و احساس و به‌ویژه آینده کودکان جامعه ما تأثیر بسزایی داشته باشند؛ چون کسانی که کار تصویرگری انجام می‌دهند، بر روی حساس‌ترین و نقش‌پذیرترین افراد اجتماع، یعنی کودکان کار می‌کنند.

گروه‌های سنی مختلف طراحی و اجرا شوند. تصویرساز باید سوژه را از بهترین و مناسب‌ترین منظر بررسی کند. تصویر می‌تواند پیوستگی با متن کتاب داشته باشد یا مستقل داوری شود و به حیات خود ادامه دهد. اما به هر ترتیب، تصویری که تصویرگر می‌سازد، همیشه مبتنی بر روایت و قصه است؛ هرچند کتاب پدیدآمده سراسر تصویر و فارغ از نوشته باشد. تصویرگری یعنی پدیدآمدن مجموعه تصاویر در کنار هم که کودکان بتوانند با داستان ارتباط آسان‌تر و بهتری برقرار کنند. تصویرگران کتاب باید به چند عامل توجه کنند: ۱. گروه سنی مخاطب؛ ۲. طراحی مناسب؛ ۳. ترکیب‌بندی؛ ۴. استفاده درست از رنگ

بچه‌های ایرانی باشند؛ بنابراین، زمان‌بندی‌های مورد اشاره ما، به تقریب، شامل تمام بچه‌های دنیا می‌شود.

منابع

- ابراهیمی، نادر (۱۳۷۶)، *مقدمه بر مصورسازی کتاب کودکان*، تهران: آگاه.
- اسپادک، برنارد (۱۳۶۹)، *آموزش در دوران کودکی*، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- اکرمی، جمال‌الدین (۱۳۸۹)، *کودک و تصویر ۲؛ جستارهایی در تصویرگری کتاب‌های کودک و نوجوانان*، تهران: سروش.
- پیازه، ژان؛ اینهلدر، باربل (۱۳۷۳)، *روان‌شناسی کودک*، ترجمه دکتر زینت توفیق، تهران: نی.
- توماس، گلین وی. جی؛ سیلک، آنجل. ام (۱۳۹۲)، *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان*، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: دنیای نو.
- حکیم‌زاده، ریحانه (۱۳۹۱)، *تصویرگری کتاب کودک*، تهران: رشد.
- دادستان، پریخ (۱۳۷۶)، *ارزشیابی شخصیت کودکان بر اساس آزمون‌های ترسیمی*، تهران: رشد.
- شاملو، سعید (۱۳۷۰)، *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، تهران: رشد.
- فراری، آنا الیوریو (۱۳۶۷)، *نقاشی کودک و مفاهیم آن*، ترجمه عبدالرضا صرافان، تهران: نگاه.
- کرمن، لوئیز (۱۳۷۱)، *نقاشی کودکان*، کاربرد تست خانواده در کلینیک، ترجمه پریخ دادستان و محمود منصور، تهران: ژرف.
- کرمن، لوئیز (۱۳۷۳)، *تحلیل روان‌شناختی نقاشی کودکان*، ترجمه مرتضی نقیبیان، تهران: توس.
- معرک‌نژاد، سیدرسول (۱۳۹۲)، *زیبایی‌شناسی نقاشی کودکان (روند تکامل تصویری نقاشی کودک)*، تهران: نوشته.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳)، *چیستی، چرایی، چگونگی آموزش عمومی هنر*، تهران: مدرسه.

واثقی، مینو (۱۳۷۷)، *آموزش هنر*، تهران: دانشگاه پیام نور.
Hurwitz A and M, Day (1991), *Children and their art: for the elementary school*, HBJ, New York.

پی‌نوشت‌ها

- G. Kerschensteiner.
 - Lowen Feld.
 - A. Hurwitz & W. Day.
 - Manipulative Stage.
 - Symbol - Making Stage.
 - Preadolescent Stage.
 - Favoritism.
 - Beauty and Realism.
 - Expressiveness.
 - Style and Form.
 - Autonomy.
 - Glyn V. Thomas & Angele M. Silk.
 - Scribble.
 - G. H. Luquet.
 - Random Realism.
 - Symbolic Realism.
 - Intellectual Realism.
 - Visual Realism.
 - Soctomisation.
 - Michaux.
 - Hrizon.
 - Oedipal Stage.
 - Visual Elements.
۲۴. آثار ژان پیازه که تعدادی از آنها به‌همت دکتر منصور به فارسی درآمده است.
۲۵. به خاطر اینکه فی‌المثل تصویر، کودک را به گِل بازی و خانه‌سازی با گِل و ابتلا به کزاز و ناکام‌مردن تشویق نکند.
۲۶. با استفاده از نظرهای J-p.colby در کتاب *نوشتن، مصورکردن و ویراستن، آثار ویژه کودکان*.
۲۷. در اینجا، منظور ما از آغاز تا پایان شش‌سالگی است؛ حال آنکه واحد قبلی، شامل از ۱۲ ماهگی تا ۳۶ ماهگی می‌شد. در هر حال، زمان‌بندی‌ها همه تقریبی است و منوط به مجموعه‌ای از مسائل و شرایط؛ لیکن به‌طور کلی، ما تابع نظر ژان پیازه، بنیان‌گذار علم هوش‌شناسی هستیم که معتقد است همه کودکان جهان، با در نظر گرفتن وضعیت سنی و تغذیه و بهداشت، از هوش برابر برخوردارند: سفید، سیاه، زرد، سرخ و هر رنگ دیگر، آسیایی، آفریقایی، اروپایی و... ما برخلاف نظر شایع که اشاراتی به تیزهوشی بچه‌های ایرانی دارد، معتقدیم حتی بچه‌های اروپایی و آمریکایی نیز از نظر درجه هوش و امکان رشد، می‌توانند برابر